

ویژگی‌های والدین و جوانان زمینه ساز روابط سازنده خانوادگی

□ محمد احسانی *

چکیده

این مقاله با عنوان «ویژگی‌های والدین و جوانان زمینه ساز روابط سازنده خانوادگی» به منظور آگاهی دادن به پدران و مادران و نیز آشناسازی فرزندان جوان با خصوصیات متعددی که در آنها وجود دارند و اثربخشی این خصوصیات در تقویت روابط خانوادگی، تدوین یافته است. از روش توصیفی-تحلیلی در این مقاله استفاده شده که در فضای کتابخانه به گردآوری اطلاعات مورد نیاز براساس متون دینی و مخصوصاً آیات و روایات پرداخته و سپس به تجزیه و تحلیل و تبدیل داده ها به تحریر و متن مورد نظر دست یافته است. در نهایت به این نتیجه رسیده است که والدین و جوان با شناخت از ویژگیهایی که دارند و به کارگیری آنها در مناسبات پدری و مادری فرزندی، می توانند زمینه مناسبی برای برقراری روابط با همدیگر فراهم نمایند و پیوند خانوادگی را بیش از پیش استحکام ببخشند. شناخت والدین از خصوصیات جوان و اولویت دادن به مسائل او یا قدرت جسمی و فکری جوان از ویژگیهای کاربردی و تأثیرگذار در تقویت روابط میان فردی ایشان هستند.

* استادیار جامعه المصطفی، پژوهشگاه بین المللی، گروه اخلاق و تربیت اسلامی.

مقدمه

خانواده پایه حیات آدمی است و هرکس در محیط خانه و خانواده به دنیا می آید و در همان جا رشد و نمو پیدا می کند. اعضای خانواده طبعاً از پیوند عمیق عاطفی و روانی برخوردار است و به صورت فطری همدیگر را دوست دارند و فداکاریهایی نسبت به یکدیگر انجام می دهند. با این حال، هستند پدران و مادرانی که روابط خوبی با فرزندان ندارند و برعکس فرزندان جوان کمتر با والدین رابطه سالم و مفید برقرار می کنند. این روند رو به ضعف، در این اواخر در حال افزایش است و مسئله تحقیق مقاله حاضر را تشکیل می دهد. چه اینکه بسیاری از خانواده ها امروزه دچار چالش فاصله بین نسلی است و روابط والدین با نوجوانان و نوجوانان مطلوب نیست. ضرورت بررسی این موضوع روشن است و جهت آگاهی دهی به خانواده ها و مخصوصاً نسل جوان حائز اهمیت می باشد. بنابراین، سوال اصلی این است که ویژگیهای مؤثر بر روابط والدین و جوانان کدامند؟ پرسشهای برآمده از این سوال به شرح زیر است. (۱) ویژگیهای والدین چیست؟ (۲) جوان از چه ویژگیهایی برخوردارند؟ (۳) این ویژگیها چگونه بر تقویت روابط سازنده پدر و مادر با فرزند جوان تأثیر می گذارند؟

هدف عمده مقاله بهبود روابط والدین و فرزند جوان است که آنها با شناخت ویژگیهای خود، می-توانند روابط مناسب و سازنده ای با همدیگر داشته باشند. مقاله با روش توصیفی - تحلیلی که مناسب چنین موضوعاتی است، به سامان می رسد. این مقاله با استناد به متون دینی و به ویژه آیات و روایات به منظور به کار بستن خصوصیات والدین و فرزندان در تقویت روابط سالم خانواده، اجرا می گردد. هرچند در این موضوع آثاری تدوین شده، ولی با جستجویی که در فضای مجازی و کتاب خانه ها به عمل آمد در خصوص کاربرد ویژگیهای والدین و جوان در تقویت روابط خانوادگی آنان، کاری صورت نگرفته است

مفاهیم و کلیات

پیش از پرداختن به بررسی مسایل اصلی پژوهش معرفی واژگان کلیدی، مناسب به نظر می رسد. زیرا شناخت مفاهیم اصلی و درک معنای آنها دید روشنی به پژوهشگر می دهد و بدین ترتیب او می تواند با نگاه دقیق تر و عمیق تر به تحقیق بپردازد. همچنین تبیین مفاهیم به مخاطب کمک می کند تا

ضمن آشنایی با موضوع و مفاهیم کلیدی بتواند برداشت درستی از مباحث ارائه شده داشته باشد. به هرصورت، مفهوم شناسی از کارهای مهم و تأثیرگذار در اجرای فرایند، تدوین و نیل به نتیجه مطلوب در ارتباط با موضوع مورد پژوهش است.

۱. والدین

کلمه «والدین» در زبان عربی تثنیه «والد» به معنای پدر است که از باب غلبه بر پدر (والد) و مادر (والدة) (آذرنوش: ۷۹۶) اطلاق می شود. والدین، یعنی پدر و مادر که هردو در تربیت فرزند و هدایت جوان نقش اساسی ایفا می کنند. (دهخدا: واژه «ولد») واژه «والدین» به همین معنا در قرآن و حدیث به کار رفته است: «فَلِلّٰهِ الدِّینُ» (بقره: ۲۱۵) از جمله تعبیرات قرآن درباره پدر و مادر است. همچنین امام علی (ع) می فرماید: «بِرُّالْوَالِدَیْنِ أَكْبَرُ فَرِیْضَةٍ» (ریشه‌ی: ج: ۱۰، ص: ۷۰۹) بزرگ ترین و مهم ترین تکلیف الهی نیکی به پدر و مادر است. والدین به لحاظ توسعه معنایی به پدر و مادر واقعی و طبیعی و نیز به سرپرست فرزند هردو اطلاق می شود که در این نوشتار همین معنای عام مدنظر می باشد. وقتی سخن از رابطه والدین و جوانان است، منظور ارتباط جوان با متولیان امور فرزند، اعم از پدر حقیقی و سرپرست او می باشد که این ارتباط چگونه باید برقرار گردد.

پدر و مادر از جهات مختلف علاقه مند به جوان هستند و مصلحت او را بر دیگر مصالح مقدم می دارند. از جهت فطری و طبیعی روشن است هر پدر و مادری دوست دارند، فرزندشان به جوانی برسد و رشد کند و به یک شخصیت خوش اخلاق، متفکر و تأثیر گذار در جامعه تبدیل شود. چرا که جوان حاصل زندگی والدین است و چه زحماتی که در تربیت جسمی، روحی و روانی او متحمل نمی شوند. به خصوص در شرایط امروزی تأمین هزینه زندگی و برآورده کردن نیازهای جوان بسی دشوار و طاقت فرسا است. با این وجود، والدین راضی نیستند فرزند جوان آنها در مقابل دوستان و همسالانش تحقیر شود یا چیزی در اختیار نداشته باشد. آنها تمام تلاش می کنند، زمینه رشد مادی و معنوی فرزند را فراهم سازند. بنابراین، جوان دوستی در فطرت والدین نهفته است و پدر و مادر خوشبختی و سعادت‌مندی او را می خواهند.

از جهت عاطفی اغلب موارد رابطه عمیقی میان والدین و جوان برقرار است، به نحوی که پدر و

مادر تمام مشکلات را به جان می‌خورد تا فرزندشان در امنیت روحی و روانی زندگی کند. این کار در تجربه خانوادگی و اجتماعی هم ثابت شده است که برخی از پدران و مادران جان‌شان را فدای فرزندشان کرده‌اند. جوانی بیست ساله گرفتار بیماری صعب‌العلاج بود، کلیه‌هایش را از دست داد و نیاز به پیوند کلیه پیدا کرد. از یک طرف والدین فقیر بودند و پولی در اختیار نداشتند تا برای خرید کلیه اقدام نمایند. از طرف دیگر، جان جوان در خطر بود و هر لحظه احتمال مرگش وجود داشت. در این شرایط پدر و مادر چاره‌ای نداشتند، جز اینکه خود به دادن کلیه اقدام کنند. پدر آماده اعطای کلیه به فرزند جوان شد و بعد از آزمایش‌های پزشکی کلیه‌اش را به او پیوند زد و جان فرزند جوان را نجات داد. این گونه موارد در تاریخ زندگی خانواده‌ها که جوانان از الطاف والدین برخوردار شدند، زیادند. یعنی پدر و مادر جوان‌شان را بهتر از خود دوست دارند و حتی زندگی‌شان را در راه سلامتی فرزند اهدا می‌کنند.

۲. جوان

واژه «جوان» (young) ترجمه واژگان عربی «شاب» و «فتی» بوده و در زبان فارسی به معانی چون بُرنا، نوجوان، به سن بلوغ رسیده، رشد یافته و مانند آن به کار رفته است (دهخدا: واژه «شاب»). جوان و جوانی براساس دیدگاه‌ها و فرهنگ‌های مختلف، مفهوم وسیع و گسترده‌ای به خود می‌گیرد و براین اساس، به لحاظ فردی و اجتماعی معنای متفاوت پیدا می‌کند. روان‌شناسان معمولاً سال‌های ۱۷ تا ۳۰ سالگی را دوره جوانی می‌نامند و آن را مصادف با ورود به دانشگاه و آشنایی بیشتر فرد با تفکر منطقی، تلقی می‌کنند. (شرفی: ۱۳۸۰، ص ۱۴) در فرهنگ‌های عمومی مردم، عوامل متعددی چون تأهل و مجرد، شغل، سن ازدواج، همبستگی گروهی با همسالان، تضاد نسلها و امثال آن در تعیین حد و حدود مفهوم جوان نقش دارند. (پهلوان: ۱۳۸۴، ص ۴) چنان‌که محدوده سنی پیش‌گفته (۱۷-۳۰ سالگی) در بعضی جوامع به افرادی اطلاق می‌شود که دارای خصوصیات زیر هستند: نسبت مجرد در میان آنان بالا است، اوقات فراغت بیشتری دارند، مشغول به تحصیل بوده و از همبستگی گروهی زیادی برخوردارند و خود را جزو نسل جدید می‌دانند. (شرفی، پشین، ص ۴) به نظر برخی دیگر، جوان به فردی گفته می‌شود که از نظر فکری اندکی با خانواده فاصله دارد و هنوز به آن درجه از استقلال مادی

و اقتصادی نرسیده است که بتواند خانواده مستقل تشکیل دهد و آن را اداره کند (پهلوان: پشین، ص ۳) و این شرایط غالباً بر سن ۱۸ سالگی منطبق است. (مکارم، ۱۳۷۴، ص ۳۹)

به هر صورت، تعیین دقیق دوره جوانی مشکل است و نمی‌توان دقیقاً مرز آن را با دیگر دوره‌های زندگی معین کرد؛ چون در این مورد اتفاق نظری در میان اندیشمندان وجود ندارد. اما جوان در این گفتار به کسی اطلاق می‌شود که دوره کودکی و نوجوانی را سپری کرده و وارد مرحله تازه‌ای از زندگی به نام جوانی شده است. یعنی از نظر جسمی، فکری و روحی - روانی به حدی رسیده است که بیندیشد، جوانب امر را بررسی کند، تصمیم بگیرد و آن تصمیم را به اجرا بگذارد.

۳. روابط انسانی

روابط، جمع رابطه و مصدر آن ارتباط است که به معنای ربط دادن، بستن، پیوند برقرار کردن (عمید: ۱۳۶۲، ارتباط) و در فرهنگ «وبستر» به رساندن، بخشیدن، انتقال دادن، آگاه‌ساختن، مکالمه و مراوده داشتن، معنا شده است. (وبستر: واژه (communication) هرچند روابط بین انسان و دیگر اشیا و یا بین دوشی غیر انسان کاربرد دارد، ولی منظور در این نوشتار رابطه انسانی مدنظر است که بین دو انسان برقرار می‌شود. ارسطو، فیلسوف یونانی در کتاب «علم معانی بیان» می‌نویسد: ارتباط عبارت است از جستجو برای دست یافتن به کلیه وسایل و امکانات موجود برای ترغیب و اقناع دیگران. به این صورت که برقرار کننده ارتباط از هر راه و روش ممکن، مخاطب را تحت تاثیر در آورده، نظر خود را به او ارائه دهد. بنابراین، هرگونه انتقال پیام بین فرستنده و گیرنده ارتباط محسوب می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت ارتباط به معنای تبادل اطلاعات فکری، عاطفی و رفتاری است که در دو طرف رابطه، تأثیر می‌بخشد و تأثر می‌پذیرد.

رابطه انسانی دارای عناصری است که مهم‌ترین آنها از این قبیل است: (۱) پیام، (۲) فرستنده پیام، (۳) رسانه پیام، (۴) گیرنده پیام، (۵) هدف پیام و (۶) زمان و مکان در یافت پیام. هرگاه والدین با جوان ارتباط برقرار کند عناصری از روابط نام برده در آن وجود دارند و هدف والدین جلب جوان، افزایش اطلاعات و آموزش اخلاق و روابط سالم اجتماعی است. ارتباط، در حقیقت مکانیسمی است که روابط انسانی به وسیله آن شکل می‌گیرد. چرا که تمام مظاهر فکری، ابزار انتقال و حفظ آنها

در مکان و زمان بر پایه معاشرت و گفتگو توسعه پیدا می‌کند. وسایل ارتباط اختصاص به کلام ندارد، بلکه تمامی حالات چهره، رفتار، حرکات، تون صدا، کلمه‌ها، نوشته‌ها، چاپ، راه‌آهن، خطوط هوایی، دریایی، تلگراف، تلفن و انواع ابزاری که اخیراً برای سهولت روابط انسانی در مکان و زمان ساخته شده است را در برمی‌گیرد. مهم این است که از اهداف سالم و سازنده و متعالی برخوردار باشد.

۴. روابط سازنده

انواع روابط و معاشرت والدین و جوانان از جهتی دو گونه است: (۱) روابط سازنده و (۲) روابط ویرانگر. رابطه سازنده به رابطه سالم، مفید، رشد آفرین و موفقیت آمیز در زندگی خانوادگی اطلاق می‌شود که زمینه پیشرف مادّی و معنوی اعضای خانواده را فراهم می‌کند. این نوع رابطه، یکی از ابعاد روابط انسانی است که میان دو فرد برقرار می‌شود و موجب رشد، بالندگی و شکوفایی طرفین رابطه را به وجود می‌آورد. رابطه جوانان با والدین طبق اقتضای فطرت انسانی و دستورات دینی و همچنین عرف جامعه اسلامی، باید سازنده و رشد آفرین باشد. چنان که پیشینه روابط خانوادگی در جوامع مسلمان دو گونه بوده و نشان دهنده حسن رفتار والدین و جوانان است. پیشرفت جامعه انسانی و مسلمانان در طول تاریخ براساس رابطه رشد آفرین و سازنده پدران و مادران با جوانان شکل گرفته است. این رشد، به جامعه سرایت کرده و جوامع رو به رشد از خانواده های موفق برخوردار بوده اند. در مطالعات میدانی مشاهده می‌شود که بسیاری از موفقیت‌های خانوادگی و اجتماعی و سلامتی در سطح کشور در اثر روابط سازنده نسل جوان با والدین پدید آمده است. خانواده ای در جامعه انسانی موفق است که روابط منظم و سازنده و منطقی در میان اعضای آن برقرار باشد. در میان اقوام این گونه خانواده های موفق که رابطه سازنده میان والدین و فرزندان حاکم است، فراوان وجود دارند و هرکس می‌تواند نمونه های آن را مشاهده کند.

در نهایت رابطه ای سازنده است که مشکلی را از فرستنده، گیرنده پیام و همچنین خانواده و جامعه حل کند، نه اینکه بر عکس بر مشکلات موجود بیفزاید. در خانواده مشکلات بسیاری وجود دارند که با رابطه سازنده، گفت وگو، مذاکره و مشورت قابل حل است. هرگاه جوان مشکلی داشت یا والدین

احساس سختی و نگرانی کردند، با رابطه گفتگوی ملایم و منطقی فعال و مؤثر می توانستند آن مسئله را از میان بردارند. از باب مثال والدینی احساس تنهایی و نیاز مالی می کردند به فرزند جوانی خود که در شهر دیگری زندگی داشت، ارتباط گرفت و مسائل را مطرح نمود، وقتی جوان از مشکلات پدر و مادر اطلاع یافت بلافاصله درصدد رفع آنها برآمد و مشکلات والدین را برطرف کرد و در این میان برعکس هم مواردی دیده می شود رابطه سالمی میان والدین و جوانان وجود ندارد و موجب مشکلاتی در خانواده شده است.

الف) ویژگیهای والدین

والدین معمار اصلی خانواده و جوانان هستند و به وسیله آنها نسل جوان به رشد مادی و معنوی نائل می گردند. چرا که هر پدر و مادری حتی از دوره جنینی برای آینده فرزند برنامه ریزی می کنند و بعد از تولد همه توان شان را در جهت آموزش و مهارت افزایی نوجوان و جوان به کار می گیرند. در جامعه اسلامی بسیاری پدران و مادرانی که تمام زندگی خود را صرف رشد و تکامل فرزندان کرده-اند. این مقاله در صدد بررسی ویژگیهای جوانان و والدین است که زمینه روابط سازنده آنان را فراهم می سازند. همان گونه که بسترهای روابط سازنده و رشد آفرین و نیز مخرب در وجود جوانان موجود است، همچنین زمینه روابط سازنده و ویرانگر در نظام فکری والدین هم وجود دارد که آگاهی از آنها در روابط سازنده کمک می کند. خصوصیات برای والدین و جوان هر دو وجود دارند که با وجود آن ویژگیها برقراری روابط سازنده ایشان آسان می شود. در این قسمت مهم ترین خصوصیات پدر و مادر که در ارتباط با جوان مؤثرند، به صورت خلاصه ارائه می شود.

۱. آگاهی والدین از خصوصیات جوان

نخستین خصوصیت والدین که در برقراری رابطه سازنده با جوان سودمند است، آگاهی و شناخت آن دو از سیستم فکری، عاطفی، اخلاقی، رفتاری، ویژگیها، توان فکری و رغبتها و نرفتهای جوان می-باشد. شناخت والدین از جوان و خصوصیات او کمک می کند تا رفتار سازنده و رشد آفرین نسبت به وی داشته باشند. اگر پدر و مادر ویژگیهای جوان را بشناسند و کاربرد هریک را بدانند، بهتر می توانند با جوان ارتباط خانوادگی و تربیتی برقرار کنند. والدین با فرزند زود رنج نباید خشونت ورزند یا جوانی را

که به فضای عمومی زیاد اهمیت می دهد، نباید از خود برانند. پدر و مادر آگاه دوستان جوان را می پذیرند و سعی می کنند فرزندشان آنان را بدون تشریفات به منزل بیاورند و با گرمی و خوش آمدگویی با آنها برخورد نمایند. والدین ناآگاه و بدون شناخت از خصوصیات جوان، سعی می کنند با انتقاد و عیب جویی زمینه آزار فرزند و دوستانش را فراهم سازند. در نتیجه فاصله والدین با فرزندان جوان روزبه روز بیشتر می شود. (جهانگرد: ۱۳۷۲، ص ۱۰۳)

سوال کردن والدین از جوان و در فشار قرار دادن او از این جهت نتیجه منفی دارد و اگر ادامه یابد وی را به عصیان و مخالفت وامی دارد. مثل اینکه جوان دیر به خانه آمده او را سوال پیچ کنند که کجا بودی؟ با چه کسانی رفاقت داری؟ چکار می کردی و امثال آن. اینگونه پرسشها، جوان را از خانه دلسرد می کند. این کار، موجب می شود تا او رفتارهایش را کتمان کند و با والدین در میان نگذارد و در ادامه به خود خوری بپردازد و همیشه خویشتن را مقصر تلقی کند. آگاهی والدین از جوان و ویژگیهای او از این آسیبها پیشگیری می کند و در نتیجه رابطه جوان و پدر و مادر سازنده خواهد بود. از باب نمونه، جوانی همواره مورد مذمت والدین قرار داشت و پدر و مادر او را در منگه سوال قرار می دادند. او به تدریج از خانه دلسرد شد و کمتر به منزل می آمد تا اینکه شبها هم بیرون از خانواده سپری می کرد. سرنوشت بدی برای این جوان رقم خورد، او در اثر دوستان بد به انحراف عملی کشیده شد و در زمره معتادان درجه یک محل و شهر قرار گرفت.

نمونه دیگر، پدر و مادر، جوانی داشتند فعال و پُرکار، ولی همواره نسبت به رفتار و عمل کرد او معترض بودند و کارهایش را قبول نداشتند. اعتراض والدین در حقیقت ناشی از عدم شناخت جوان و خصوصیات او بود. چرا که پدر و مادر از سواد چندانی برخوردار نبودند و فکر محدود و بسته ای داشتند که مانع رشد جوان باهوش و تلاشگرشان می شدند. از این رو، والدین تحمل نوآوری و خلاقیت جوان را نداشته هدف شان این بود که او همانند آنها رفتار کند. به او می گفتند حق نداری پا از گلیمت بیرون گذاری و باید طبق سنت آبا و اجداد حرکت کنی. چنین پدران و مادرانی حقیقتاً از جوان و ویژگیهای او بیگانه هستند و نمی توانند راهنمایی خوبی برای جوانشان باشند.

توصیه به والدین در ارتباط با جوان اینکه کمتر با جوان حرف بزنند و بیشتر گوش دهید. این، یک حقیقت درباره تمامی رابطه هاست. اما در رابطه والدین و فرزندان بیشتر مورد توجه است. حتی اگر

بسیار مشغول انجام کاری هستید، هنگامی که فرزندان به سراغ شما می‌آید و از شما توضیحی درباره مساله ای را می‌خواهد، همه کارتان را متوقف کنید، سر و بدن تان را به سمت فرزند خود بچرخانید و با دقت به او گوش فرا دهید. باور کنید، فرزندان تمامی بد خلقی هایش را متوقف خواهد کرد و مطیع سراپای شما خواهد شد.

۲. مهر و محبت به جوان

از عواملی که به تربیت و رشد جوان کمک می‌کند، مهر و محبت والدین به جوان است که اساسی-ترین ویژگی پدر و مادر به شمار می‌رود و زیربنایی بسیاری از صفات خوب دیگر شمرده می‌شود. هرچند محبت به جوان در نهاد والدین نهفته است، ولی نیاز به تقویت و فعال سازی دارد تا در زندگی خانوادگی تطبیق شود. بسیاری از خصوصیات ذاتی و خدا دادی انسان نیاز به پرورش دارد؛ چه اینکه بدون به کارگیری آنها ممکن است به تدریج فروکش کنند و در نهایت از کار بیفتند. مثلاً گرایش به عبادت و پرستش به صورت فطری در نهاد جوان وجود دارد و نیازمند تقویت است؛ بدین طریق که جوان با اعتقاد به وظایف دینی نمازهای پنج گانه را طبق دستور الهی انجام دهد. محبت والدین، این گونه رفتارهای عبادی و گرایش به عبادت را در جوان پرورش می‌دهد و به تدریج به رشد و شکوفایی می‌رساند. از باب مثال، جوانی است مرتب، منظم و باورمند به ارزشهای اسلامی که در خانواده متدین رشد کرده و آموزه های دینی را از والدین آموخته است. این جوان در ادای تکالیف دینی مانند نماز و روزه بسیار جدی و با اراده است؛ به نحوی که تمام نمازهایش را به موقع می‌خواند و در عین حال به کارهای روزمره اش هم خوب می‌رسد.

این رفتار نیک جوان و علاقه او به عبادت ناشی از مهر و محبت والدین و هدایتهای آن دو است که وی را به صراط مستقیم رهنمون می‌سازد. هرگاه جوان در محیط خانواده با محبت و مهربانی معتدل و هدفمند والدین رشد نماید و پرورش یابد، به بیرون خانه کمتر گرایش پیدا می‌کند. چنین جوانی اکثر اوقات را در محیط خانه بسر برده مشغول درس و بحث و فعالیت‌های رشد آفرین است. چه اینکه دوره جوانی همراه با شور و شوق عاطفی است و جوان بیشتر درصدد دوست یابی برمی‌آید و تمایل دارد دوستان صمیمی برایش پیدا کند. والدینِ مهربان می‌توانند در این زمینه به جوان کمک کنند تا با افراد با

ادب و از خانواده های خوش نام طرح دوستی بریزد. برعکس والدین نامهربان و خشن کاری به کار جوان ندارند و هیچ گونه راهنمایی ندارند و این جاست که جوان در اثر بی تجربگی با افراد نا اهل رفت و آمد می کند و در ادامه به انحراف فکری و عملی کشیده می شود.

شاعر محمد حسن معیری در زمینه مهر و محبت والدین به جوان این گونه سروده است:

أَلَا أَيُّ فَرْزَنْدَه خورشید من بهارِ من و صبحِ اُمیدِ من

دلم روشن از آتشینِ چهرِ توست مرا گرمی از آتشِ مهرِ توست

بهشتم تویی، نوبهارم تویی خوشا نوبهارم، که یارم تویی (معیری: ۱۳۸۸، ص ۳۵۲)

۳. دلسوزی به جوان

والدین منصف و فهمیده کسانی هستند که طبق اقتضای فطرت و طبیعت پدری و مادری، نسبت به جوان دلسوزند و خیر و صلاح او را می خواهند. چنان که اکثر پدران و مادران و بیش از ۹۰ درصد آنها این گونه هستند و در تمام زندگی برای موفقیت و رشد همه جانبه فرزند جوان شان شب و روز تلاش می کنند. از دوره کودکی به آموزش و تحصیل فرزند توجه دارند و در نوجوانی و جوانی در زمینه تعلیم آداب اسلامی و ارزشهای اخلاقی به او و همچنین زمینه سازی ازدواج فرزند برنامه ریزی می کنند. رابطه پدری و مادری نشانه دلسوزی والدین به جوان است، چنان که هر رابطه عمیق بین دو نفر اگر صمیمی بود، به رابطه پدری فرزندی تشبیه می شود و در عرف جامعه می گویند آن دو نفر مثل پدر و فرزند به هم نزدیکند. بنابراین، در عرف مردم رابطه جوان و والدین بر دلسوزی آن دو نسبت به فرزند دلالت دارد.

دلسوزی به این معنا است که پدر و مادر جوان را از خود بدانند و سود و زیان او را متعلق به خویشان تلقی کنند و در مقابل، دلسوزانه او را نصیحت کنند. چرا که نزاع بین والدین و جوان اغلب ناشی از عدم آگاهی آنان از خصوصیات جوان است. تضاد بین والدین و فرزند ریشه در باورها و رفتار پدر و مادر در دوران کودکی و نوجوانی دارد. اعم از رفتار تند و سرزنش آمیز و یا محبتها و دلسوزیهای بی جا که به تدریج به نوعی مزاحمت آزار دهنده و بیماری زا تبدیل می گردد. این عشقهای تحمیلی و رفتارهای نابجای والدین در کودکی و نوجوانی و بعد هم، دخالت و تحمیل سلیقه ها در انتخاب راه

آینده جوانان منجر به واکنشهایی، گاه تلخ و دور از انتظار و رنج آور از سوی فرزندان نسبت به والدین منجر می شود.

دلسوزی دو نوع است: دلسوزی نسبت به خود و دلسوزی نسبت به دیگران. بسیاری از فرزندان این پیام را از والدین خود دریافت می کنند که: وقتی خوب هستی تو را دوست دارم؛ تا زمانی جوان خوب است او را دوست داری. دوم اینکه در صورتی او را دوست دارید که شما را دوست داشته باشد. آموختن دلسوزی به فرزند به معنای نشان دادن عشق عملی و احترام به اوست. بنابراین، به جوان خود نشان دهید چطور می تواند همدل و مراقب دیگران باشد. کنفسیوس می گوید: به جوانان از ته دل احترام باید گذاشت که نژاد آینده ما نژاد کنونی خواهد بود. لیکن اگر کسی چهل تا پنجاه ساله شد و از خود نشانه آزادی و شرافت بیادگار نگذاشته است؛ دیگر هیچ کس نسبت به او نباید احساس حرمت و تعظیم داشته باشد. (ذوالفقاری: ۱۳۷۵، ص ۲۵۰)

توصیه به والدین اینکه هیچ می دانید صدای آرام، مستدل و منطقی بسیار قدرتمندتر از صدای بلند در برقراری ارتباط با جوان است؟ گاه ممکن است بادیدن یک اتاق بهم ریخته کنترل خود را ظرف چند دقیقه از دست بدهید، ولی به عنوان یک قانون به یاد داشته باشید که هنگام عصبانیت با فرزندان صحبت نکنید و بر سرش داد نزنید. مدت کوتاهی صبر کنید تا آرام شوید سپس با او صحبت کنید، نیازی نیست که صدای خود را بالا ببرید. اگر او قانونی را شکسته و نمی تواند تلویزیون ببیند یا غذا بخورد و بخواهید تنبیه کنید، آن را برای ساعات بعد انجام دهید. اما درکمال آرامش و خونسردی و نه با بالابردن صدای خود و یا حتی عصبانیت و تهاجم. چون عصبانیت و سرزنش کردن جوان بی-فایده است و نتیجه ای جز بدبینی و لجباجت چیزی در پی ندارد.

۴. تجربه های ارزشمند والدین

از خصوصیتی که در روابط سازنده والدین با جوان مفید است باید انتقال تجربه های مفید و سرنوشت ساز آن دو به او است تا با پندآموزی از آن تجارب به نحو احسن استفاده کنند. پدر و مادر عمری را در زندگی خانوادگی و اجتماعی میان اقوام و همسایه ها و جامعه همزیستی سپری کرده و با تلخ و شیرینی دنیا خو گرفته و آموزه های مفیدی از آن تجارب به دست آورده اند. چنان که شاعر از

زبان پدران و مادران این گونه سروده است:

موی سپید را، فلکم رایگان نداد این رشته را به نقد جوانی خریده ام
ای سرو پای بسته، به آزادی مناز آزاده من، که از همه عالم بریده ام
(معیری: پیشین، ص ۱۸)

امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) می فرماید: «مِنْ الْوَالِدِ الْفَانِ الْمَقَرُّ لِلزَّمَانِ الْمُدْبِرِ الْعُمَرِ الْمُسْتَسْلِمِ لِلدَّهْرِ الدَّامِ لِلدُّنْيَا السَّائِكِ مَسَاكِنَ الْمَوْتَى الطَّاعِنِ عَنْهَا غَدًا» از پدری فانی، اعتراف دارنده به گذشت زمان، زندگی را پشت سر نهاده (که در سپری شدن دنیا چاره - ای ندارد) مسکن گزیده در جایگاه گذشتگان و کوچ کننده فردا که بزودی از جوان جدا خواهد شد. از این جملات تجربه اندوزی علی (ع) بعنوان یک پدر مهربان برای فرزند جوان به دست می آید که می خواهد این تجارب را در اختیار جوانش قرار دهد و او را در بهره گیری از آن فراخواند. عبارتهای روایت همانند پدری رو به فنا، گذشت زمان، زندگی را پشت سر نهاده دلالت روشن بر اخذ تجربه از زندگی دارد که برای آینده جوان مفید است و پدر این دست آوردها در اختیار فرزند قرار داده است تا در ساختن زندگی و آینده اش به کارگیرد. این تجارب را هر پدر و مادری از زندگی خویش دارد و خوب است آنها را در اختیار جوان قرار داده به استفاده از آن تشویق نمایند.

والدین نیازمندیها، مصلحتها، و خطاهای جوان را در نظر گیرند، تجربه های تلخ و شیرین زندگی را دسته بندی کنند و به صورت کاربردی در اختیار فرزند جوان قرار دهند. این کار، کمکی بزرگی به نسل جوان است تا با استفاده از تجربه های پدر و مادر به ساختن آینده خویش بپردازد. همان گونه که امام علی (ع) طبق نامه ۳۱ نهج البلاغه این کار را انجام داد و در آن نامه طولانی که به منشور تربیتی آن حضرت شهرت یافته برای امام حسن (ع) ارائه داد. در جامعه اسلامی پدران و مادران دو گروه هستند که گروهی از سرنوشت فکری و فرهنگی غافلند و تنها به تأمین خوراک و پوشاک فرزند بسنده می کنند. اما گروه دیگر مانند یک دیده بان همواره مراقب جوان هستند. این کار، در حقیقت الگو دادن به پدران و مادران است که هم گذشته شان را به خاطر بسپارند و هم آن را برای فرزندان بازگو نمایند. در این صورت، جوانان رابطه بهتری با پدر و مادر خواهند داشت و بادید نیک به آنها نگرسته از تجارب شان بهره خواهند برد.

۵. اولویت بخشیدن به مسائل جوان

جوانان در مسیر رشد و رستگاری نیازمندیهایی مختلف دارند، از قبیل خوراک و پوشاک، علم، اخلاق و آموختن حرفه و فن و مانند آن. بعضی پدران و مادران توان تأمین همه آنها را ندارند و در این صورت باید اولویت بندی کنند و براساس میزان اولویت آنچه را می توانند، تأمین نمایند. بسیاری از جوانان اجتماعی نیستند، در عین حال خود محور نیز هستند که این خصوصیات، بر مشکلات موجود می افزایند. در محیط خانواده طبعاً مسائل زیادی مطرح است و شاید والدین در یک زمان نتوانند به همه آنها پاسخ دهند و جامه عمل پوشانند. ازاین رو، اولویت بندی آنها لازم است؛ بدین معنا که اگر بالفرض ۲۰ مورد نیاز، اعم از اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، وجود دارند که باید عملی شود و در میان آنها یک مورد مثلاً مربوط به جوان است، این یک مورد را در صورت مصلحت، در مرتبه اول قرار دهد. ممکن است جوان پسر باشد یا دختر فرقی ندارد، آن را باید در مرتبه مقدم قرار دهند و عملی سازند. این کار، یک نوع احترام به خواسته جوان و توجه به احساسات و عواطف اوست که زمینه ساز روابط سازنده والدین با جوان می باشد. البته پدر و مادر تنها به سخن یا وعده اکتفا نکنند، بلکه در عمل کار جوان را راه اندازند، وگرنه وعده بدون عمل نتیجه ای جز دلسردی جوان نخواهد داشت. چنان که سعدی خوش ذوق گفته است:

سخن گرچه دل‌بند و شیرین بود سزاوار تصدیق و تحسین بود
چو یکبار گفתי مگو باز پس که حلوا چو یکبار خوردند بس
گلستان سعدی باب چهارم

اولویت بخشیدن به مسائل جوان در محیط خانواده از خصوصیات والدین فهمیده و با تجربه است که می خواهند جوان را هم جذب کنند و رابطه سازنده با او داشته باشند و هم او را وادار به کار و فعالیت نمایند. چه اینکه جوان دل نازک و قلب رئوف دارد که با اندک توجه به خواسته های او می توان وی را با ایجاد انگیزه به فعالیت شبانه روز سوق داد. نکته قابل توجه اینکه پدر و مادر نباید کاری را بر جوان تحمیل کنند و می بایست با اراده و اختیار انگیزه فعالیت را در او ایجاد نمایند. یکی از راههای ایجاد انگیزه در جوان اولویت دادن به مسائل مربوط به او است که باید مورد اهتمام والدین باشد. توصیه به پدران و مادران اینکه باروشهای عملی صحیح، جوان را به خود جلب نمایند و با

صمیمیت و همفکری صادقانه با او برخورد کنند. در عین حال آنچه مهم است این است که والدین خود، الگوی مناسبی برای جوان باشند. به فرموده امام صادق (ع): «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لَيَرَوْا مِنْكُمْ الْجَهَادَ وَ الصَّدَقَ وَ الْوَرَعَ» (بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۹) مردم را به غیر از زبان تان دعوت به دین کنید، تاسعی و کوشش و درستی و پرهیزگاری و خویشتن داری را از شما مشاهده کنند. پدر و مادر با عمل و رفتار، جوان را هدایت کنند، نه صرفاً با زبان و گفتار. زیرا آنچه فرزند در عمل والدین مشاهده می کند بهتر آن را می پذیرد تا از زبان آنها بشنود. چون تأثیر رفتار والدین بیشتر از گفتار آنها است که می تواند جوان را به سازندگی هدایت کند. از این رو، به والدین توصیه می شود که نیازهای جوان را دقیقاً بشناسند و تا آن جا که توان دارند به رفع آن نیازها اقدام کنند. در این صورت، رابطه ای سازنده میان والدین و جوان برقرار خواهد شد.

۶. هدایت جوان در مسیر رشد و تکامل

اساسی ترین وظیفه والدین هدایت و راهبری جوان بر اساس آموزه های دینی و مصالح مادی و معنوی است که از قرار گرفتن او در مسیر انحرافی باز دارند. هدایت در حقیقت وظیفه والدین است که نسبت به فرزند خود داشته باشند و او را از وارد شدن در مسیرهای اشتباه و انحرافی منع کنند. از آن جا که پدر و مادر نزدیک ترین انسان به جوان هستند و همین طور در سعادت و موفقیت او خیر خواه و مصلحت اندیش می باشند و برای رشد همه جانبه وی تلاش می کنند، از این رو یقیناً به هدایت دلسوزانه جوان علاقه مندند و با دقت او را هدایت خواهند کرد. نکته قابل توجه این است که پدر و مادر در این راه با حوصله و بردباری باید با جوان برخورد کنند و با او گفت و گوی صمیمانه برقرار نموده از عوامل و موانع رشد فردی و اجتماعی آینده وی را آگاه سازند. رسول خدا (ص) فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ وَالِدًا أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرٍّ» (ریشه‌ری: ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۵۰۵) خدا رحمت کند پدری را که فرزندش را بر نیکی کردن به خود کمک کند. دعای پیامبر (ص) در حق پدر هدایت گر جوان گواه بر اهمیت موضوع است و اینکه پدر باید به این وظیفه عمل کند و هم جوان به هدایت های او گوش دهد و عمل نماید.

هدایت رشد آفرین، هدایتی است که راههای موفقیت مادی و معنوی را به جوان نشان دهد و او را متمایل به پیمودن راه صحیح سازد. رسول الله (ص) در روایتی به والدین دستور داده است که فرزندان را

به شنا و تیراندازی هدایت کنید: «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَ الرَّمَايَةَ» (همان، ص ۵۰۶) ذکر شنا و تیر اندازی در روایت، اولاً به عنوان نمونه است و اختصاص به آن دو ندارد، بلکه هر حرفه در هر زمان مورد نیاز بود به فرزندان آموزش داده شود. امروزه حرفه های زیادی هستند که در جامعه رواج دارند و موجب رشد مادی و علمی جوانان می شوند، لازم است به نسل جوان تعلیم داده شوند.

سعدی شیرازی می گوید: هیچ چیز از فرهیختگی و تربیت یافتگی بهتر نیست و به نظر او نادانی بدترین بیماری است.

داروی تربیت از پیر طریقت بستان کآدمی را بدتر از علّت نادانی نیست

گلستان سعدی باب چهارم

در نهایت خصوصیات یاد شده برای والدین آگاه و دلسوز به جوان وجود دارند که در عرصه اجتماع و خانواده ها از این قبیل پدران و مادران کم نیستند و به وفور مشاهده می شود. کسانی که در مسیر هدایت گری و تشویق فرزندان به رشد و ترقی شب و روز تلاش می کنند. پدری برای تحصیل جوانش از همه دارایی هایش سرمایه گذاشت و او را تا حد دانش تخصصی در رشته مورد علاقه اش پیش برد و در نتیجه اینک جوان، صاحب زندگی و شغل و حرفه مناسب است و به پدر و مادر و دیگر نیازمندان هم کمک می کند. این جوان همیشه خوش وقت و در زندگی موفق است.

ب) خصوصیات جوان

پس از آگاهی از ویژگی‌های والدین و تأثیر آن در ایجاد روابط سازنده با فرزندان جوان اینک مناسب است، به ویژگی‌های مؤثر جوان که نقش اساسی در پیدایش رابطه مناسب او با پدر و مادر دارند، اشاره گردد. جوان، دارای خصوصیات جسمی، عاطفی و روحی - روانی است که هر کدام به نوبه خود مهم و شناخت آنها برای اطرافیان جوان ضرورت دارد. زیرا شناخت ویژگی‌های جوان به دست اندرکاران مسائل مربوط به نسل جوان امکان زمینه سازی بهتر، تأمین نیازها و پرورش جوانان را فراهم می سازد. هدف تحقیق حاضر کمک به رشد فکری، اخلاقی، هنرمندی روابط اجتماعی جوانان با والدین است که تحقق این امر، نیازمند شناخت توانایی های فکری، عاطفی و جسمانی نسل جوان است. جوانان با آگاهی از اینکه چه نوع امکانات فطری جهت تحقق رشد فکری و اخلاقی دارند و چگونه والدین می

توانند آنها را در جهت پیشرفت خانواده هدایت کنند؟ در این فراز از نوشتار، بعضی زمینه ها و امکانات رشد و تکامل جوانان بررسی می گردد. قدرت جسمی، توان تصمیم گیری، استعداد عقلانی، عاطفی و مانند آن برخی از زمینه های رشد و تحول جوانان است که در ارتباط سازنده آنان با پدر و مادر اثبخش می باشد.

۱. قدرت و توان بدنی

قدرت و توان بدنی جوان فراهم آمده از جسم و روح است. زیرا جسم قوه مجریه فرمانها و رهنمودهای روح است که مرتبه بالای آن در جوان وجود دارد. رشد فکری و فرهنگی جوان نیازمند توان جسمی است که انسان در دوره کودکی از این توان محروم است. آنگاه که قدم به مرحله جوانی می گذارد این توانایی را به دست می آورد. قدرت و سلامت جسمی از اساسی ترین نعمتهای الهی است که امام علی(ع) به عنوان نعمت بزرگ الهی آن را از خداوند درخواست کرده است. (نهج-البلاغه، خطبه ۱) جوانی دوره رشد و شکوفایی همه استعدادها و ظرفیتهای وجودی انسان است و در این مرحله از زندگی توانایی های آدمی به رشد و بالندگی مطلوب خود می رسد. آنچه برای همگان قابل درک است، توان جسمی جوان است و همه می بینند که او با قدرت بدنی کارهای سنگین و طاقت فرسایی را به انجام رساند. به نحوی که کودکان و پیران از انجام آن کارها عاجزند. نیروی جسمی جوان چیزی است روشن و کسی منکر آن نیست، زیرا تمام خانواده ها می بینند که جوانان نسبت به کودکان و سال خورندگان قوی ترند و زور بازوی بیشتری دارند. اما آنچه مهم است، نحوه بهره برداری از نیروی جوانی است و این که آن توان جسمی را در چه مسیری به کار گیرد. در این زمینه نیاز جدی به رهنمودهای خانواده و والدین و معلمان و رهبران دینی دارند. پدر و مادر باید از این ویژگی جوان در بهبود روابط با وی و استخدام او در فعالیتهای نیک و مؤثر در زندگی خانوادگی و اجتماعی بهره گیرند.

چگونگی استفاده از نیروی جوانی و قدرت بدنی از سخنان امام علی(ع) به دست می آید. علی(ع) از خداوند طلب نیرو و توان جسمی می کند تا در راه خدمت به خدا و خلق خدا گام بردارد. در دعای کمیل عرضه داشت: «يَا رَبِّ يَا رَبِّ قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَاشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي» (قمی: ۱۳۷۶، ص ۱۰۰-۱۰۱) پروردگارا، پروردگارا! اندام مرا برای خدمت گذاری ات توانمندساز و

دروغ را در تصمیم گیری قوی بدار. کلمه «جوارحی» در کلام علی (ع) صراحت در قدرت جسمی دارد که حضرت از خدا خواسته است توان بدنی او را بیشتر کند. هدف آن حضرت از قدرت جسمانی، انجام خدمت بهتر و بیشتر به راه خدا و خلق خدا است. بنابراین، تقویت جسمی و توانایی های بدنی، از راه های مشروع مانند ورزش، تفریح، پیاده روی، شنا، اسب سواری و امثال آن بر اساس راهنمایی های معصومین (ع) مجاز، بلکه مورد تأکید بوده است. منتهی آن توان جسمی را باید در راه اسلام و قرآن هزینه کند و برای نشر معارف اهل بیت (ع) و ترویج اخلاق اسلامی در جامعه تلاش نماید، نه کارهای خلاف و ضد اخلاقی. این کار، از جوانان شایسته تر است، زیرا آنان می توانند قدمهای مؤثرتری در راه خدا بردارند. در نهایت، توان جسمی از ویژگیهای بارز و آشکار جوان است که باید ارزش آن را درک کند و در مسیر صحیح به کار ببرد. همین توان جسمی جوان زمینه خوبی است برای برقراری ارتباط سازنده با والدین که خدمت رسانی به آن دو این امر را آسان می سازد.

۲. قدرت تصمیم گیری

انسان در مرحله کودکی تنها گوش دهنده به فرمانهای والدین است، ولی در جوانی به صورت نسبی توانایی تصمیم گیری را دارد، اما در تصمیمهای سرنوشت ساز هنوز نیازمند کمک پدر و مادر است. کارهایی همانند ازدواج، اشتغال، تحصیل و امثال آن احتیاج به رهنمایی والدین دارد. جوان نباید خود را بی نیاز از مشاوره پدر و مادر، مدیران، معلمان و... احساس کند و آنها نیز در این موارد به جوانان باید یاری رسانند. تصمیم گیری به معنای مصمم شدن و کمر بستن برای انجام کاری، (آذرنوش: واژه «مصمم»، ص ۳۷۱) فرایندی است که عناصری چون مشاوره، برنامه ریزی، اراده قلبی، قاطعیت و فراهم ساختن شرایط مناسب برای اجرای طرح و برنامه را در برمی گیرد. تصمیم گیری در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است. خداوند در این زمینه خطاب به پیامبر اسلام (ص) می فرماید: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (آل عمران: ۱۵۹) هنگامی که تصمیم گرفتی (قاطع باش و) بر خدا توکل کن.

در این آیه به تصمیم گیری اشاره شده و خداوند به رسول الله (ص) دستور داده مبنی بر اینکه وقتی تصمیم نهایی را اتخاذ کردی باید با قاطعیت اجرا کن و در اجرای آن، بر خداوند توکل نما. هرچند

تصمیم‌گیری در همه مراحل زندگی امکان‌پذیر است و انسان تا پایان عمر می‌تواند در زمینه‌های مختلف تصمیم بگیرد، ولی این امر از جوانان بهتر ساخته است؛ چون آنان در شرایط مناسبی قرار دارند و قدرت تجزیه و تحلیل و بررسی جوانب امر در آنها بیشتر فراهم است و هرکاری را به آسانی می‌توانند برنامه‌ریزی کنند و اجرا نمایند. همان‌گونه که قرآن کریم از تصمیم ابراهیم خلیل در شکستن بت‌ها خبر داده و از او با کلمه «فتی» (انبیا: ۶۱) یعنی از جوانی یاد نموده که کار بزرگ شکستن بت‌ها را انجام داده است.

بر این اساس، یکی از ویژگی‌های مهم جوانان قدرت و توان آنان در اتخاذ تصمیم و اراده است که به آسانی می‌تواند انتخاب کند و تصمیم بگیرد و آن را به سامان برساند. البته جوانان به این نکته باید توجه داشته باشند که عاقلانه تصمیم بگیرند و کارهای منطقی و مفید برای خود، خانواده، اسلام و کشور انجام دهند. زیرا امروز پیشرفت مادی و معنوی جامعه نیاز به تصمیم‌های عاقلانه نسل جوان و اقدام عملی آنها در اجرای پروژه‌های بلند علمی و ملی دارد تا ضمن تأمین نیازهای کشور برای همه مسلمانان جهان مایه عزت و سربلندی باشد. جوانی تحصیل یافته و خوش ذوق و با سلیقه در سطح دکتری طرح‌های جالبی برای بازسازی فرهنگی دارد و اگر زمینه اجرای آن طرح‌ها فراهم شود، نتایج سودمندی عاید جامعه اسلامی خواهد شد. به هر صورت، تصمیم‌گیری از ویژگی‌های جوان است که می‌بایست به خوبی از آن استفاده کند و در پیوند سازنده با اعضای خانواده و مخصوصاً والدین به کار گیرد.

۳. رشد فکری و عقلی

عقل به عنوان هدیه الهی و یک استعداد خدادادی در نهاد هر انسانی به صورت فطری قرار دارد و اساسی‌ترین عامل توانمندسازی و رشد شخصیت جوان است؛ به نحوی که روابط سازنده والدین و جوانان می‌تواند زمینه رشد آنان را فراهم سازد. همچنین می‌تواند از آنها و آسیب‌ها جلوگیری کند و موارد چگونگی استفاده سازنده از نسل جوان را مهیا سازد. به هر صورت، یکی از جنبه‌های مهم وجودی جوان بُعد عقلی و فکری او است که در دوره جوانی شکوفا می‌شود و تکامل می‌یابد. هرچند رابطه رشد سنی و رشد عقلی را نمی‌توان دقیقاً تعیین کرد، ولی اغلب روان‌شناسان بر این باورند که

معمولاً رشد عقلی با افزایش سن همراه است. مگر در افراد عقب مانده ذهنی که رشد عقلی چندانی ندارند و از قانون عمومی رشد مستثنی هستند. (شعاری نژاد: ۱۳۷۲، ص ۴۰۰) بر این اساس، جوان به لحاظ جسمی به رشد می رسد و فکر و عقلش نیز تکامل می یابد. این جاست که جوان مسئول اعمال و اموال خود شناخته می شود و می تواند در آن تصرف کند. چنان که قرآن کریم به این موضوع اشاره کرده می فرماید: «فَإِنْ أَنْتَمِ مِنْهُمْ رُشِدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (انبیا: ۶) اگر در آنها {یتیمان} رشد (کافی) یافتید، اموال شان را به آنها بدهید. منظور از رشد در آیه شریفه رشد عقلی و فکری است که بتواند سود و زیان مالی را تشخیص دهد و صاحب اختیار در دارایی خویش گردد. چه اینکه از نظر شرع مقدس رشد بدنی بدون رشد عقلی نمی تواند مجوز اعطای اموال به ایتام باشد. چه بسا افرادی ممکن است به بلوغ جسمی برسند، ولی از نظر عقلی رشد کافی نیافته باشند. ازاین رو، در آیه شریفه تنها به بلوغ جسمی جوان اکتفا نشده، بلکه علاوه بر آن، می بایست مورد آزمایش قرارگیرند و اگر به رشد عقلی رسیده بودند، حق تصرف در اموال شان را دارند.

رشد فکری از مهم ترین خصوصیات جوان است که در زندگی فردی و اجتماعی او کاربرد فراوان دارد و مسیر رشد فزاینده را دنبال می کند. اندیشه و تفکر صحیح، انسان را به تعالی مادی و معنوی هدایت می کند. هرگاه جوانی در کنار والدین فکرش را به کارگیرد و طرح و برنامه درست و مفید برای آینده تنظیم کند، به زودی به استقلال اقتصادی و مالی دست خواهد یافت. جوانی در میان آشنایان خوش فکر و خوش ذوق بود و طرحهای مفید اقتصادی به راه انداختن در زمان نه چندان زیاد صاحب سرمایه و زندگی شد. کارخانه ای تأسیس کرد تولیدی در زمینه تولید قطعات موتور سواری و با تلاش و کوشش توانست ضمن سرمایه گذاری مناسب صاحب منزل مسکونی و ماشین سواری گردد. افزون بر این، چندین نفر در کارخانه او مشغول کارند و از تلاش و فعالیت او به نان و هزینه زندگی راه یافته اند. به گفته بودلر: فکرم را به کار انداختم در نتیجه راه به رویم گشوده شد. (ذوالفقاری: پیشین، ص ۶)

۴. تربیت پذیری

مهم ترین سرمایه تکامل و رستگاری جوانان استعداد تربیت پذیری آنان است که در سایر موجودات زنده بسیار اندک می باشد. روابط والدین و جوانان در این مورد نیز رشد آفرین است و نباید

پدر و مادر جوانان را رها کنند. لازم است از این استعداد تربیت پذیری به صورت اولویت گذاری شده استفاده شود و پدر و مادر با روابط ویرانگر خود به عصیان گرایی جوان دامن نزنند. در مجموع انسان موجودی است اثر پذیر و معمولاً در همه مراحل زندگی کم و بیش تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار دارد و از آنها تأثیر می پذیرد. این مطلب را هرکس در رفتار فردی و اجتماعی خود به صورت روز مره تجربه می کند و نیاز به دلیل و برهان ندارد. زیرا آدمی جدایی از دیگران قادر به ادامه حیات نیست و بدین جهت همواره در معرض تأثیرات محیط طبیعی و اجتماعی قرار داشته و دائم در تعامل با دیگران زندگی می کند. دوره جوانی مهم ترین مرحله ای است که فرد می تواند شخصیت خود را تکمیل نماید و به لحاظ فکری و رفتاری در باورها و ارزشهای خود تجدید نظر کند. پس از دوره جوانی به دلیل آن که شخصیت انسان تثبیت می شود، تغییر ساختار آن از نظر روان شناختی و تربیتی مشکل می - نماید. از این رو، جوان می بایست تا فرصت دارد به تکمیل شخصیت خود پردازد و آموزه های صحیح و مفید را فراگیرد. چون او در دوره جوانی از توانایی بیشتری برخوردار است و ذهن وی هنوز درگیر مسائل بحران آفرین روزگار نشده، لذا شرایط مناسبی برای یادگیری دارد. (کوشا: ۴۲، ۱۳۸۶)

بر این اساس، امام علی (ع) در نامه معروف تربیتی به امام حسن مجتبی (ع) می فرماید: «وَأَيُّهَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ» (نهج، نامه ۳۱) قلب جوان، همچون زمینی «مستعد و آماده کشت» است، هر بذری در آن پاشیده شود، پذیرا است. تشبیه قلب جوان به زمین آماده کشت در کلام علی (ع) بیانگر آن است که هر چه از آموزه های دینی به جوان ارائه گردد، نه تنها می پذیرد، بلکه آنچه دریافت می کند آن را پرورش می دهد و همانند رشد و نمو کردن بذر در دل زمین مستعد و آماده کشت، به تدریج رشد می کند و جوانه می زند تا به ثمر می رسد. یادگیری در دوره جوانی افزون بر اصل پذیرش، از نظر کیفیت نیز در سطح بالایی قرار دارد.

در تاریخ اسلام جوانانی زیادی بودند که با عقل و درایت و به کارگیری اندیشه صحیح خدمات شایانی به اسلام و جامعه اسلامی ارائه داده اند. به عنوان نمونه صعصعة بن صوحان از جوانان متفکر و باورمند به اندیشه های دینی و اسلامی بود که در زمان رسول الله (ص) مسلمان شد. او در زمان خلافت علی (ع) با سخنان رسا در جمع صحابه بهترین توصیفها را از آن حضرت ارائه داده گفت: ای - امیر مؤمنان! به خدا سوگند تو خلافت را زینت دادی و تو خلافت را بالابردی و نیاز خلافت به تو بیشتر

از نیاز توبه آن است. (ریشه‌ری: ۱۳۸۸، ص ۴۰۰) این سخنان از یک جوان در جمع قابل توجه اصحاب پیامبر (ص) نشانه شجاعت و اخلاص اوست که در مسیر حمایت از ولایت علی (ع) بیان شده است. جوانان امروز هم می‌توانند با جرئت و شجاعت مسائل سیاسی و اجتماعی را شناسایی کنند و آنچه حق و برای جامعه مفید است به مردم برسانند و جلو انحرافات فکری و عملی آنها را بگیرند.

به هر صورت، از ویژگی‌های بارز روحی و روانی جوان انعطاف پذیری اوست و نسبت به بزرگ سالان زودتر تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار می‌گیرد و خود را با شرایط محیط منطبق می‌سازد. بر این اساس، وظیفه مربیان و پدران و مادران اقدام به موقع در تربیت نسل جوان است تا قلب و دل آنها را پیش از نفوذ تأثیرات منفی، به آموزه‌های دینی و اسلامی بیارایند. همان گونه که علی (ع) به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) فرمود: «فَبَادِرْتُكَ قَبْلَ أَنْ يَغْسُوَ قَلْبُكَ وَيَشْتَغِلَ لُبُّكَ» (حرانی: ۱۳۸۲، ص ۱۱۲) قبل از اینکه دلت سخت و فکرت به اموری دیگر مشغول شود، در تربیت تو پیشی گرفتم. از این کلام و سیره علی (ع) برمی‌آید که تعلیم و تربیت والدین برای جوان سرنوشت ساز است و آنان باید به انتقال آموزه‌های مهم دینی مانند عقاید و اخلاق به نسل جوان اقدام نمایند تا آنها آینده خوبی داشته و در شکل دهی جامعه سالم کمک کنند. به گفته برخی دانشمندان: فکر ساخته تعلیم و تربیتی است که تا امروز گرفته ایم، برای فکر بهتر باید از فردا تعلیم و تربیت بهتری بگیریم. (ذالفقاری: پیشین، ص ۲۰۶)

۵. زیبایی خواهی

بی شک، فطرت هرکس میل به زیبایی‌ها دارد و از زشتیها و بدیها و منظره‌های ناپسند متنفر است. این خواست درونی انسان در دوره کودکی به صورت ضعیف و کم رنگ است، ولی به تدریج رشد می‌کند تا اینکه در دوره جوانی بالنده می‌شود و به کمال مطلوب خود می‌رسد. شهید مطهری در زمینه فطری بودن زیبایی خواهی آدمی می‌نویسد: در نهاد انسان گرایشی به جمال و زیبایی به معنی مطلق، وجود دارد و هیچ کس از آن مستثنا نیست. لباس هم که می‌پوشد، کوشش می‌کند تا آن اندازه که برایش ممکن است وضع زیباتری به خودش بگیرد. (مطهری: ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۴۹۶) دو نوع زیبایی

وجود دارد: ۱) زیبایی جسمی و ظاهری که در چهره افراد قابل مشاهده است و با نگاه به صورت و قد و قیافه طرف مقابل می توان آن را تشخیص داد. مثلاً جوان زیبا، منظره زیبا و خانه زیبا از جمله نمونه-های زیبایی ظاهری هستند که آدمی را به خود جلب می کنند. ۲) زیبایی باطنی و معنوی که با چشم قابل مشاهده نیست، ولی از رفتار و عمل کرد افراد می توان به آن دست یافت. به عنوان مثال هر گاه جوانی که از نظر ظاهری خیلی جذاب نیست، ولی به لحاظ تدین، اخلاق و برخورد با دیگران و همچنین رفتار با والدین خیلی مطلوب و نیکو است، این گونه جوانان زیبایی درونی و معنوی دارند که بسیار ارزشمندتر از زیبایی ظاهری است.

از آن جا که انسان ذاتاً گرایش به خوبی ها و زیبایی ها دارد؛ از منظره های زیبا، چمن زارها، گلها، کوه ها، لذت می برد. اگر آب صاف و زلالی ببیند، کنارش می نشیند و از دیدنش شاد و خرم می شود. از تماشای دریا و صحرا و باغ و بوستان برانگیخته می شود و شور و شوق درونی بر آنها عارض می گردد. تحرک و پویایی و سرزندگی و نشاط نتیجه تفریح و گشت و گذارهای سالم است. از این رو، جوانان بیشتر از دیگران به مسافرتها و گردشهای جمعی در کنار سبزه ها، دامنه کوه ها و بستر رود خانه ها و آبشارها علاقه مندند و به آن اهتمام می ورزند. چرا که روحیه زیبایی خواهی در آنان به حد کمال خود رسیده و از مشاهده منظره های جذاب و خوش آیند بیشتر به شور و نشاط و تحرک می آیند. این حس زیبایی خواهی انسان از ابتدای زندگی وجود دارد، ولی به تدریج رشد می کند و در دوره جوانی به اوج شکوفایی خود می رسد.

پیامر خدا(ص) در مورد زینت جوانان می فرماید: «وَ اخْتَصِبُوا فَإِنَّهُ يُزِيدُ فِي شَبَابِكُمْ» (طبرسی: ۱۴۲۱ق، ص ۴۳) موهای خود را رنگ کنید که جوانی و زیبایی شما را زیباتر می کند. اصلاح موی سر امروزه در جوانان با مدلهای گوناگون مشاهده می شود و اگر این کار به همانندسازی با زنان و یا تبعیت از فرهنگ بیگانه شمرده نشود، اشکال ندارد، ولی اگر عنوان حرام پیدا کند مانند بستن موها پشت سر که امروزه در جامعه مشاهده می شود، جایز نیست. چون هم فرهنگ غرب است و هم تشبیه زن به مرد و بالعکس که همه حرام است. خصوصیت جوانی ایجاب می کند تا جوانان بیشتر به تفریح و گشت و گذار روی آورند و به منظره های جذاب و مکانهای گردشگری حضور یابند. این حس زیبایی خواهی اگر به درستی هدایت شود و در عین مشاهده مناظر طبیعی با تفکر و خردورزی به رشد

معنوی و اعتقادی خود هم پردازند، بسیار مفید خواهد بود. جوانان مؤمن و با تربیت در جامعه اسلامی زیادند که با تحصیل در رشته های علمی و استفاده از منابع طبیعی به رشد عقلی و عملی مناسبی دست یافته اند. جوانی است که با فراغت از دانشگاه و کسب دانش مناسب مدیریت در ادارات خصوصی و نظامی دست به کار شده، اینک صاحب کارخانه و خانه درجه یک در بهترین جای شهر با تمام امکانات زندگی می کند. این جوان رابطه سازنده با والدین دارد و همواره از مشورت آنان بهره می گیرد. این رابطه، باعث رشد مادی و اخلاقی جوان شده و اینک او هم از امکانات مناسب زندگی برخوردار است و هم مورد اعتماد والدین و اقوام و همسایه ها می باشد.

۶. خلاقیت و نوآوری

خلاقیت در لغت از ریشه «خَلَقَ» به معنای ایجاد و ابتکار و نوآوری آمده و در دانش روان شناسی عبارت است از توان افراد به تولید ترکیبات جدید صنعتی، اندیشه های تازه یا هرگونه دست آوردهای نو که قبلاً ناشناخته بوده اند. (شعاری نژاد: ۱۳۷۲، ص ۵۸۷) برخی خلاقیت را شکل دادن تجربه ها در سامان بندیهای تازه دانسته اند. (حسینی: ۱۳۷۶، ص ۲۹) عده ای دیگر معتقدند که خلاقیت ارائه کیفیتهای تازه ای است از مفاهیم و معانی به شکل منظم و معنا دار. (حسینی: پیشین، ص ۲۹) آن چه از تعاریف خلاقیت نتیجه می شود آن است که خلاقیت فرایندی است مشتمل بر عناصری همچون انگیزه، توانایی و مهارت در سامان دهی و ترکیب اجزای پراکنده و ارائه آن در قالب یک محصول جدید مادی یا فرآورده فکری و علمی. چنین کاری از خصوصیات نسل جوان است و در عرصه اجتماع امکان انجام آن با فراهم بودن زمینه ها و امکانات لازم، میسر خواهد بود. از باب مثال جوانان مبتکر و خلاق امروزه در جامعه زیادند، مانند محققان عرصه های فنی و حرفه ای که در زمینه های مختلف خلاقیتی از خود نشان داده، وسیله یا ابزار جدیدی به جامعه عرضه داشته و مورد استفاده عموم مردم قرار می گیرند. انرژی هسته ای امروزه در سطح جهان و به خصوص جمهوری اسلامی ایران محصول تلاشهای نسل جوان است که دیری نشده پا به عرصه صنعت و فناوری نوین گذاشته و از فرآورده های آن مثل فرآورده ای درمانی همه مردم بهره مندند.

روان شناسان و جامعه شناسان به اهمیت خلاقیت در فرد و جامعه تأکید دارند و به زمینه سازی

برای تربیت نیروهای فعال و خلاق سفارش می‌کنند. علم، هنر و تکنولوژی محصول فرایند خلاقیت است و میان خلاقیت و رشد مادی و معنوی جامعه رابطه مستقیم برقرار است. (شعاری نژاد: ۱۳۷۲، ص ۵۸۷) یعنی به هر میزان که فرایند خلاقیت در افراد پرورش یابد و تولید نیروی خلاق در اجتماع افزایش پیدا کنند، ضریب پیشرفت جامعه بالا می‌ود. زیرا نیروی خلاق به لحاظ فنی و تکنیکی همواره نوآوری-هایی از خود نشان می‌دهند و محصولات جدیدی را عرضه می‌دارند که این امر سطح علمی و نوآوری جامعه را افزایش داده موقعیت جهانی آن را بهبود می‌بخشد.

خلاقیت از اول زندگی در فرد وجود دارد و در بازیهای کودک خود را نشان می‌دهد و به تدریج در مدرسه و به ویژه فعالیتهای گروهی و تفریحی شکوفا می‌شود. نوآوری در دوره نوجوانی و جوانی رشد می‌کند و معمولاً در سنین ۳۰ تا ۴۰ سالگی به بالاترین حد خود می‌رسد. (همان، ص ۵۹۱) در این مدت افراد خلاق از غیر خلاق شناخته می‌شود و با ابتکارات خود را معرفی می‌کنند. بنابراین، خلاقیت از ویژگیهای نسل جوان است و جوانان هستند که با فکر و اندیشه و فعالیت مستمر به ابتکارها و اختراعات می‌رسند و اولیا و مربیان باید آن را تقویت کنند. عوامل متعدد درونی و بیرونی بر رشد و شکوفایی خلاقیت جوان تأثیر دارند. محیط خانه و مدرسه، زمینه سازی و تهیه امکانات، تشویق والدین و معلمان و بسیاری از عناصر دیگر در بالندگی خلاقیت جوانان مؤثرند. به قول پستالوژی: مهم ترین قسمت شغل شما آن است که خود را به فکر کردن عادت بدهید و هیچ چیز غیر از تفکر صحیح نمی‌تواند شما را قادر کند، به هدف تان برسید. (ذوالفقاری: ص ۲۰۶)

۷. آینده نگری

انسان محدود به سه زمان، گذشته، حال و آینده است که باید از گذشته تجربه بیاموزد، زمان حال را فرصت شمارد و برای آینده برنامه ریزی کند. چه اینکه بدون در نظر گرفتن گذشته و کنترل زمان حال و به عبارتی کنترل وضعیت موجود، نمی‌تواند به آینده نگری صحیح دست یابد. بنابراین، آینده نگری به معنای تفکر و اندیشه ورزی و برنامه ریزی برای آینده فردی، خانوادگی و اجتماعی است که در نسل جوان بیشتر مصداق پیدا می‌کند. چرا که آرزومندی از خصوصیات جوان است که آمال و آرزوهای گوناگون در دل دارد و هر کدام به عنوان یک محرک قوی او را به فعالیت وامی‌دارد. اگر چه آرزومندی در

همه انسانها کم و بیش وجود دارد و هرکس خواسته هایی در دل دارد و می خواهد به آن آرزوهایش نائل گردد؛ ولی این آرزومندی در دوره جوانی بیش از دیگر دوره های زندگی تجلی دارد و مرحله جوانی معمولاً پُر از آمال و آرزوها و تخیلات دور و درازی است که فکر جوان را به خود مشغول می دارد و او را برای رسیدن به آن آرزوها به حرکت درمی آورد تا خواسته های درونی اش را به فعلیت برساند. امام علی (ع) در تبیین شخصیت جوان و خواسته های درونی وی می -فرماید: (جوان) فرزندی است آزمند چیزی که به دست نمی آید {و} رونده راهی است که به نیستی ختم می شود. (نهج: همان) این گفتار علی (ع) فرازی از نامه مفصل آن حضرت در توصیف جوان و ارائه راهکارهای تربیتی به جوانان است که آرزواندیشی را نخستین ویژگی آنان شمرده و آینده آنها را در یک مسیر روبه نیستی ترسیم می کند. یعنی جوان شهروند شهر آرزوها است و در عین داشتن صدها آرزوهای دور و دراز، به سویی گام برمی دارد که رو به زوال است و سرانجام آن مسیر، در گرو اعمال دنیایی وی است.

آرزومندی تا حدودی نتیجه طبیعی رشد جسمی و روحی جوان است؛ زیرا دوره جوانی طبعاً همراه با خیال بافی و تخیل گرایی است و از این رو، اغلب جوانان دارای ایده آلهای و آرمان هایی هستند که در اثر خیال پردازی به وجود می آیند. (تربیت: سال، ۱۳۷۰، ش ۱، ص ۱۸) نقش مثبت آرزومندی آن است که پرواز در دنیای افکار، توهمات و تخیلات می تواند نوعی لذت های روحی، هرچند زودگذر را به دنبال داشته باشد و این آرزوها است که جوان را آرمان گرا و آرمانخواه بارمی آورد. اگر آمال و آرزوها واقع بینانه بود و امکان تحقق آن در عالم واقع فراهم شد، در پویایی و بلندهمتی جوان کمک می کند. برعکس اگر آرزوها توهمی و غیر واقع بینانه باشند، جوان را در آستانه سقوط قرار می دهد. (حاجی ده آبادی: ۱۳۸۵، ص ۴۳) از این روست که پیامبر خدا (ص) از آرزوی دراز امت احساس خطر کرده می فرماید: «أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ» (پاینده: ۱۳۸۵، ص ۲۷) بر امت خویش بیش از هر چیز از هوس و درازی آرزو می ترسم. طبیعی است که این احساس خطر پیامبر نسبت به جوانان بیشتر است؛ زیرا آنان با تجربه اندک و دانش محدود در معرض آسیبهای زیاده تری قرار دارند. به گفته بعضی دانشمندان، ناموس و قانون طبیعت و اسرار حیات مبتنی بر خوب مطلق است، فقط اندیشه و پندارهای خطا است که تخیلی از بدیها در نظر انسان ایجاد می کند. (ذوالفقاری: ص ۲۰۸)

۸. الگوپردازی

در تعریف کلمه «الگو» با مفاهیمی همچون مدل، سرمشق، اسوه، مقتدا، قدوه، مثال و نمونه مواجه هستیم (مطهری: ۱۳۴۶، ص ۱۸۸) که در توضیح معنای الگو از آنها استفاده شده است. از این میان مقتدا، اسوه و قدوه مختص انسان است و به فردی اطلاق می شود که به لحاظ ویژگیهای شخصیتی صلاحیت الگو واقع شدن و قدوه بودن را برای دیگران دارد. (شعاری نژاد: ۱۳۴۶، ص ۲۵۷) هرچند واژه «الگو» اختصاص به انسان ندارد و الگوهای غیر انسانی را نیز شامل می گردد، ولی کاربرد الگو در تعلیم و تربیت، علوم اجتماعی و روان شناسی بیش از دیگر واژگان در مورد انسان است. (حسین - زاده: ۱۳۹۰، ص ۲۰) به گفته جامعه شناسان؛ یک الگو چیزی است که ساخته می شود تا برای ساختن نمونه های دیگر سرمشق قرار گیرد. (نیک گهر: ۱۳۸۳، ص ۱۱۳) الگو مجموعه ای از مفاهیم، تعاریف، اصول راهبردی و نمادهای ربط دهنده بین آنها است که امکان تحلیل کمی و کیفی پدیده ها و روابط بین آنها را برای پژوهشگر فراهم می کند. (عزتی: ۱۳۸۸، ص ۱۸۲)

با دقت به این تعاریف به این نکته می توان اذعان کرد که هر یک از تعریفهای یادشده، تعریف جامع و مانعی از الگو نمی تواند باشد، بلکه هر کدام به مصداق آن اشاره می کند. چرا که الگو قلمرو وسیع دارد؛ امور مادی، معنوی، انسانی و رفتاری را شامل می شود. بسیاری از الگوها جنبه فیزیکی و مادی دارند، نظیر الگوهایی که در فعالیتهای نظامی، مهندسی، بنایی، خیاطی و مانند آن به کار می روند. چنان که انسان در طول تاریخ از الگوهای طبیعی در همه زمینه ها استفاده کرده است. در ساخت زیردریایی ها از اژدها، نهنگ و کوسه و ... در ساختن هواپیما از پرندگان الگو برداری کرده و هوش مصنوعی و کامپیوتر را از مغز آدمی سرمشق گرفته اند. (اخوی: ۱۳۹۰، ص ۹۰)

برخی از الگوها جنبه رفتاری و معنوی دارند، مانند شخصیتهای وارسته دینی، اخلاقی، علمی و اجتماعی که رفتار و سیره آنها الگو و سرمشق دیگران است. منظور از الگو در این نوشتار، الگوی رفتاری است، بدین معنا که سیره و رفتارهای به دست آمده از سیره پیامبر و اهل بیت (ع) به الگوی رفتاری تبدیل می شود تا راهنمای تعامل مؤمنان با مخالفان قرار گیرد. به نحوی که رفتار درون گروهی و برون گروهی مسلمانان می بایست بر مبنای آن تنظیم گردد. بدیهی است که این گونه الگوی رفتاری باید به سرچشمه قوی و محکمی مستند باشد تا مورد پذیرش همه مسلمانان قرار گیرد. حجازی گوید:

پند و اندرز همچو نور خورشید است که به میوه ناری بتابد، جوان را زودتر به رشد می رساند. لیکن تا زمان بر او نگذرد از آفتاب هیچ حکمتی پخته نخواهد شد. (ذوالفقاری: ص ۲۵۰)

یکی از ویژگی‌های بارز جوان همانندسازی و الگوپردازی است که جوان در زندگی اجتماعی و برخورد با دیگران معمولاً خود را همانند کسانی می سازد که به نظر وی جذاب و دارای ایده آلهای مورد علاقه اش جلوه می کنند. این خصیصه ناشی از یک امر فطری نهفته در نهاد انسان است که در دوره جوانی شکوفا می گردد. چون ساختار وجودی انسان به گونه ای است که همواره تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار می گیرد و به نوعی از آنها متأثر می شود. این تأثیر پذیری در واقع يك امر ذاتی و فطری است که به اصل سرشت و شالوده وجودی انسان برمی گردد و هیچ انسانی از آن خالی نیست. از این رو، نمی توان آدمی را پیدا کرد که صددرصد نفوذ ناپذیر باشد و هرگز چیزی بر او تأثیر نگذارد. زیرا انسان در هر شرایطی با يك سری عوامل بیرونی در ارتباط است که خواه ناخواه بر جسم و روحش اثر می گذارند. الگوپذیری انسان از محیط خانواده آغاز می گردد؛ سپس در مدرسه و اجتماع ادامه یافته و در مرحله جوانی به اوج خود می رسد. بنابراین، جوان به لحاظ فطرت خود الگو طلب است و این خصوصیت جزو ذات او به حساب می آید و بدین جهت همواره در جست و جوی فهرمانان ذهنی خویش می باشد.

بر این اساس، اصل الگوپذیری جوان مسلم به نظر می رسد، آنچه در این زمینه مهم است انتخاب آگاهانه الگوها است؛ یعنی جوان باید الگویی را در زندگی برگزیند که تأسی به آن الگو مایه عزت و سربلندی او در دنیا و آخرت باشد، نه اینکه زمینه بدبختی و زبونی وی را فراهم سازد. اسلام به این خواست فطری جوان توجه کرده و الگوهای شایسته را به آنها معرفی نموده و در معرض مشاهده آنان گذارده است تا خود را در فکر و رفتار همانند آنان بسازند. قرآن کریم از این نوع الگوبه «اسوه حسنه» یاد کرده است؛ یعنی الگویی نیکو و مناسب در همه شئون زندگی، اعم از فردی و اجتماعی. خدای متعال شخصیت پیامبر اکرم (ص) را به عنوان اسوه حسنه به مردم معرفی نموده می فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱) مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا (ص) سر مشق نیکویی است. زیرا تأسی به سیره و رفتار آن حضرت جوان را به خدا نزدیک ساخته، از هرگونه انحراف فکری و اخلاقی دور می دارد.

امروزه نیز ارائه الگو در تعلیم و تربیت نسل جوان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و کارشناسان امور آموزش و پرورش فراوان بدان تأکید دارند. ازاین رو، به معلمان و مربیان لازم است که براساس آموزه‌های دینی و اسلامی، الگوهای مناسب را شناسایی و به نوجوانان و جوانان معرفی نمایند. الگوهای شناخته شده در دین اسلام که در متن قرآن و احادیث اسلامی به آنها اشاره شده است. بر این اساس، با نظر به تهاجم روز افزون فرهنگ غرب و عرضه الگوهای مختلف ضد ارزشی، لازم است، برترین الگوهای زندگی از منظر قرآن و اسلام به نسل جوان معرفی گردد تا ضمن اشباع غریزه الگوجویی بتوانند با انتخاب الگوهای مناسب مسیر درستی را در زندگی خود برگزینند. امروزه بسیاری از جوانان در انتخاب لباس، اصلاح موی سر و صورت، وسیله نقلیه و... اغلب تحت تأثیر الگوهای موجود در جهان هستند. اگر جوانی موی سرش را پشت سر می بندد، الگوگیری از مدل‌های موجود در شبکه‌های مجازی القا شده از فرهنگ غرب است که به آن اقتدا کرده است. البته الگوپردازی از ویژگیهای دوره جوانی است و جنبه‌های مثبت فراوانی دارد که می‌بایست با تفکر و اندیشه ورزی الگوی مناسب برایش برگزید. آنچه در انتخاب الگو لازم است توجه به سودمندی آن در حیات مادی و معنوی است که اقتدای به الگو بتواند جوان را به رشد مادی و روحی برساند.

در مجموع خصوصیات یادشده بخشی از ویژگیهای جوان است که به آنها اشاره شد و هرکدام در زندگی و ارتباط جوان با پدر و مادر نقش اساسی ایفا می‌کند. قدرت جسمی و فیزیکی، توان تصمیم‌گیری، رشد فکری، تربیت‌پذیری، زیبایی‌خواهی، خلاقیت، آینده‌نگری و الگوپردازی از مهم‌ترین ویژگیهای جوان هستند که کارکرد ارتباطی او را با والدین افزایش می‌دهند. بر این اساس، جوان هرگاه بخواهد می‌تواند بهترین ارتباط را با دیگران و به خصوص پدر و مادر برقرار نماید. در مقابل، والدین هم می‌بایست با اندیشه ورزی و محبت پروری سعی کنند رفتار نیکو با فرزند جوان داشته و از هدایت و همکاری با وی دریغ نورزند.

جمع بندی و نتایج

از مجموع آنچه در این مقاله ذکر شد، ضمن پاسخ به پرسشهای طرح شده در آغاز نوشتار، به نکاتی رهنمون شدیم که به صورت اختصار و با ارقام اشاره می‌گردد.

۱. برقراری رابطه سازنده میان والدین و جوان دارای اهمیت ویژه در زندگی خانوادگی است که در رشد مادی و معنوی آن تأثیر بسزادارد.
۲. این رابطه دو سویه است؛ از یک سو والدین مسئولیت دارند که پیوند سالم، مؤثر و سازنده با فرزندان و مخصوصاً جوانان برقرار کنند و ضمن عمل به وظیفه آنها را نیز به صراط مستقیم و مسیر رشد و تکامل مادی و معنوی هدایت نمایند.
۳. ازسوی دیگر فرزند و به ویژه جوان لازم است در صدد ایجاد روابط صحیح با والدین بوده و ضمن احترام و اکرام نیازهای آنان را تأمین نماید.
۴. خصوصیاتى که در والدین وجود دارند و نیز ویژگیهای جوان زمینه این تعامل مثبت را میان پدر و مادر از یک طرف و جوان از طرف دیگر فراهم می سازند.
۵. از همه پدران و مادران و نسل جوان انتظار است که ویژگیهای شناختی، عاطفی و رفتاری خود را شناخته در مسیر تعمیق روابط با طرف مقابل و اصلاح آن به کارگیرند.
۶. در نهایت با روابط سازنده و سالم خانواده و اعضای آن به رشد و کمال مطلوب نائل می-گردند و بدون رابطه درست هیچ کدام به هدف و تعالی نخواهد رسید.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- امام علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۸.
- آذرتاش آذر نوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.
- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.
- ابوالقاسم پهلوان، منوچهر، نهج الفصاحة، ترجمه: ابراهیم احدیان، قم، گلستان ادب، ۱۳۸۵.
- پهلوان، منوچهر، جامعه شناسی جوانان، بابل، کمال الملک، ۱۳۸۴.
- جهانگرد، یدالله، نحوه رفتار والدین با فرزندان، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۲.
- حاجی ده آبادی، محمد علی، بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
- حسین زاده، علی، سبکهای معیار، نشر ادیان، ۱۳۹۰.
- حسینی، افضل السادات، ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.
- خادمی کوشا، جوان در پرتو اهل بیت (ع)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- ذوالفقاری، غلامحسین، رهنمون سخنان بزرگان، مشاهیر و نوابغ جهان، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۵.
- ریشه‌ری، محمد محمدی، حکمت نامه جوان، ترجمه: مهدی مهریزی، قم، دارالحديث، ۱۳۸۸.
- ریشه‌ری، محمد محمدی، میزان الحکمة، ترجمه: رضا شیخی، قم، دار الحديث، ۱۳۸۷.
- شعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲.
- شعاری نژاد، علی اکبر، فرهنگ علوم رفتاری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۹.
- شرفی، محمد رضا، جوان و بحران هویت، تهران، سروش، ۱۳۸۰.
- صداقت، محمد عارف، سیره و روش پیامبر (ع) در برخورد با دشمنان، قم، زائر، ۱۳۹۳.

- عباس اخوی، محمد مهدی، راهنمای پرورش خلاقت در کودکان و نوجوانان، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۰.
- عزتی، مرتضی، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، مرکز پژوهشهای اقتصاد، ۱۳۸۸.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، مؤسسه امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، دارالحجّة، ۱۴۲۱ق.
- فرهنگ وبستر، واژه (communication).
- قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، قم، ۱۳۷۶.
- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳ق.
- مجله تربیت، وزارت آموزش و پرورش، شماره اول، سال ۱۳۷۰.
- معیری، محمد حسن، دیوان رهی معیری، تهران، صدای معاصر، ۱۳۸۸.
- مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا، ۱۳۴۶.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۷۰.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، قم، مطبوعاتی هدف، ۱۳۷۴.

